

چگونه زبان موسیقی را بخوانیم

تئوری موسیقی برای مبتدیان

نویسنده:

پیتر نیکول

ترجمه:

امیر قربان پور

انتشارات نوین کوشان

۱۳۹۵



سرشناسه	: نیکول، پتر
عنوان و نام پدیدآور	: Nickol, Peter
مشخصات نشر	: چگونه زبان موسیقی را بخوانیم، تئوری موسیقی برای مبتدیان/ نویسنده پتر نیکول؛ ترجمه امیر قربان پور .
مشخصات ظاهری	: تهران: نوین کوشان، ۱۳۹۵ .
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۹۵-۲۹-۹
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی : Learning to read music : how to make sense of those mysterious symbols and bring music alive, 2nd.
ر ض و ع	: دیدخوانی (موسیقی)
م و ض و ع	: Sight-reading (Music)
م و ض و ع	: پارتیتورخوانی و پارتیتورنوازی
م و ض و ع	: Score reading and playing
شناسه افزوده	: قربان پور، امیر، ۱۳۶۲-، مترجم
رده‌بندی کتره	: ۷۸۱/۴۳۳/۸۱۳۹۵۳۳۶M۶ج۸ن/
رده‌بندی دیوپی	: ۷۸۱/۴۳۳/۸۱۳۹۵۳۳۶M۶ج۸ن/
شماره کتابشناسی	: ۷۸۱/۴۳۳/۸۱۳۹۵۳۳۶M۶ج۸ن/



چگونه زبان موسیقی را بخوانیم

تئوری موسیقی برای مبتدیان

نویسنده: پتر نیکول

مترجم: امیر قربان پور

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۶

ناشر: نوین کوشان

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۹۵-۲۹-۹

بهاء: ۱۹۸۰۰ تومان

تلفن: ۰۹۱۲۷۳۸۹۰۲۷

پست الکترونیک ناشر: goolnahal@gmail.com

فهرست مطالب

پیش‌گفتار و جمع	۱۱
مقدمه	۱۵
فصل ۱. زیر و بم	۱۷
۱-۱. نواک چیست؟	۱۷
۲-۱. خطوط حامل	۱۸
۳-۱. کلیدهای حامل	۲۰
۴-۱. استفاده از یک کلید حامل، نواک را مشخص می‌سازد	۲۱
۵-۱. منظور ما از «دوی میانی» چیست؟	۲۲
۶-۱. نام نت‌ها	۲۵
۷-۱. چرا این الگوی هفت-نتی تکرار می‌شود؟	۲۷
۸-۱. اکتاوها	۲۹
۹-۱. خود را بیازمایید	۳۱
۱۰-۱. نکانی برای به خاطر سپردن	۳۵
فصل ۲. بلند و کوتاه	۳۷
۱-۲. کشش	۳۷

- ۲-۲. ارزش زمانی نت‌ها ۳۸
- ۳-۲. درک ارزش‌های زمانی نسبی ۳۹
- ۴-۲. نشان دادن سریع یا آهسته بودن ۴۰
- ۵-۲. نت‌های به هم پیوسته ۴۲
- ۶-۲. نت‌های نقطه‌دار ۴۳
- ۷-۲. خود را بیازمایید ۴۳
- ۸-۲. نکاتی برای به خاطر سپردن ۴۴
- فصل ۳ ریم و ضرب** ۴۷
- ۱-۳. ضرب‌ها، تکیه‌ها ۴۷
- ۲-۳. ضرب و تمپو (سرعت) ۴۸
- ۳-۳. تمرین وزن‌های مختلف (الگوهای ضربی) ۴۹
- ۴-۳. درونی ساختن ضرب ۵۰
- ۵-۳. ماهیت ضرب ۵۱
- ۶-۳. گروه‌بندی ضرب‌ها در میزان‌ها ۵۲
- ۷-۳. کسر میزان ۵۴
- ۸-۳. معرفی ریتم‌ها ۵۶
- ۹-۳. نکاتی برای به خاطر سپردن ۶۱
- فصل ۴ ملودی‌ها** ۶۳
- ۱-۴. ترکیب نوآک و ریتم ۶۳
- ۲-۴. تشخیص ملودی‌ها ۶۵
- ۳-۴. تأملی بر میزان پیشرفت شما ۶۷
- ۴-۴. دو نت در یک زمان ۶۸
- ۵-۴. نکاتی برای به خاطر سپردن ۷۲

فصل ۵. دیز و بمل.....	۷۵
۱-۵. پس کلیدهای سیاه چه می‌شوند؟.....	۷۵
۲-۵. پرده‌ها و نیم‌پرده‌ها.....	۷۷
۳-۵. گام‌ها.....	۷۹
۴-۵. دیزها و بمل‌ها.....	۸۱
۵-۵. معنای (مرتبط) دیگری برای «sharp» و «flat».....	۸۳
۶-۵. خود را بیازمایید.....	۸۴
۷-۵. نکاتی برای به خاطر سپردن.....	۸۵
فصل ۶. گام ۱.....	۸۷
۱-۶. نوشتن گام کروماتیک.....	۸۷
۲-۶. نوشتن گام ماژور.....	۸۸
۳-۶. گام «فا ماژور».....	۹۰
۴-۶. مورد غیرمتعارف «می دیز».....	۹۱
۵-۶. نکاتی برای به خاطر سپردن.....	۹۴
فصل ۷. کلیدها.....	۹۵
۱-۷. چرا گام‌ها اینقدر مهم هستند؟.....	۹۵
۲-۷. درک کلیدها.....	۹۶
۳-۷. سرکلیدها.....	۹۸
۴-۷. سرکلیدها در کلید حامل باس.....	۱۰۰
۵-۷. خود را بیازمایید.....	۱۰۰
۶-۷. تمام سرکلیدها.....	۱۰۱
۷-۷. بار دیگر خود را بیازمایید.....	۱۰۴
۸-۷. نکاتی برای به خاطر سپردن.....	۱۰۴

فصل ۸. مازور و مینور ۱۰۷

۱-۸. گام‌های مینور ۱۰۷

۲-۸. چگونه کلبدها به ساختار موسیقی جهت می‌دهند ۱۱۱

۳-۸. علائم عرضی ۱۱۴

۴-۸. بکارها ۱۱۴

۵-۸. علائم عرضی در عمل ۱۱۵

۶-۸. نکاتی برای به خاطر سپردن ۱۱۶

فصل ۹. جمع بنات ریتم ۱۱۹

۱-۹. اتصال ۱۱۹

۲-۹. اتصال ۱۲۲

۳-۹. سکوت‌ها ۱۲۳

۴-۹. نکاتی بیشتر در مورد میزان‌ها ۱۲۶

۵-۹. نکاتی برای به خاطر سپردن ۱۲۸

فصل ۱۰. آکوردها ۱۳۱

۱-۱۰. اندازه‌گیری فاصله یک نت تا نت دیگر ۱۳۱

۲-۱۰. آکوردهای مازور ۱۳۴

۳-۱۰. آکوردهای مینور و دیگر آکوردها ۱۳۵

۴-۱۰. علائم آکوردها ۱۳۷

۵-۱۰. نکاتی برای به خاطر سپردن ۱۳۹

فصل ۱۱. موارد باقی‌مانده ۱۴۱

۱-۱۱. علائم تکرار ۱۴۲

۲-۱۱. علائم طرز بیان ۱۴۵

۳-۱۱. علائم تمپو (سرعت) ۱۴۸

۱۴۹.....	۴-۱۱. علائم دینامیک (شدت).....
۱۵۰.....	۵-۱۱. پیرایه‌ها.....
۱۵۱.....	۶-۱۱. تریتیت‌ها.....
۱۵۲.....	۷-۱۱. نکاتی بیشتر در مورد کسر میزان‌ها.....
۱۵۲.....	۸-۱۱. دوبل‌دیز، دوبل‌بمل.....
۱۵۴.....	۱۱. نکاتی برای به خاطر سپردن.....
۱۵۵.....	فصل ۲. بررسی‌های موردی.....
۱۵۵.....	۱-۱۲. موسیقی پاپ.....
۱۵۹.....	۲-۱۲. بیان و سولز.....
۱۶۲.....	۳-۱۲. آهنگ‌ها.....
۱۶۷.....	۴-۱۲. موسیقی کرال.....
۱۷۳.....	۵-۱۲. سرودهای روحانی.....
۱۷۶.....	۶-۱۲. آپرا.....
۱۷۸.....	۷-۱۲. موسیقی ارکسترال.....
۱۸۲.....	۸-۱۲. نکاتی برای به خاطر سپردن.....
۱۸۳.....	سخن آخر.....
۱۸۵.....	واژه‌نامه.....
۱۹۱.....	کلید پاسخ‌ها.....

پیش‌گفتار مترجم

کتاب حاضر راهنمای خودآموزی برای فراگیری زبان و تنوری موسیقی در سطح مبتدی است. چنان‌که ریخته نیز اشاره می‌کند، برای مطالعه این کتاب نیازی به دانش قبلی در زمینه تنوری موسیقی نمی‌باشد، و حتی کسانی که تجربه و شناختی از زبان موسیقی ندارند، و سازه هم نمی‌نوازند، می‌توانند از مطالب این کتاب استفاده کنند. اگرچه بدیهی است که داشتن شناختی پایه نسبت به برخی مفاهیم، و یا تجربه نوازندگی یک ساز، به درک هر یک از مطالب کتاب کمک خواهد کرد.

در رابطه با معادل‌های فارسی استفاده شده در این کتاب نکاتی لازم به ذکر می‌باشد. نخست اینکه، آن دسته از خوانندگانی که آشنایی پایه‌ای با نت‌خوانی و تنوری موسیقی دارند به خوبی می‌دانند که نام‌گذاری نت‌ها با هفت‌گانه موسیقی به دو روش الفبایی و هجایی مرسوم است. در نظام الفبایی (انگلیسی/آلمانی) از هفت حرف اول الفبای انگلیسی برای نام‌گذاری نت‌ها استفاده می‌شود: «A» تا «G». در نظام هجایی (ایتالیایی/فرانسه)، که نظام متداول در زبان فارسی نیز هست، نت‌ها به صورت هجایی و با نام‌های «دو»، «ر»، «می»، «فا»، «سل»، «لا» و «سی» نامیده می‌شوند.

آنچه که در اینجا اهمیت دارد این است که هنرجوی موسیقی در حالت ایده‌آل می‌بایست با نام نت‌ها در هر دو نظام الفبایی و هجایی آشنایی داشته و چگونگی

تطابق آن‌ها را به خاطر بسپارد، چرا که در متون مختلف اغلب با هر دوی این نظام‌های نام‌گذاری روبرو خواهد شد. برای این منظور، پیشنهاد می‌شود هنرجو پیش از مطالعه این کتاب، و در حین مطالعه آن، تطابق زیر از نام نت‌های موسیقی در زبان‌های مختلف را به خاطر بسپارد:

A	B	C	D	E	F	G	انگلیسی
La	Si	Do	Re	Mi	Fa	Sol	ایتالیایی
لا	سی	دو	ر	می	فا	سل	فارسی

در این کتاب، نام نت‌ها در درون متن به صورت هجایی فارسی (برگرفته از زبان ایتالیایی) به کار رفته است، و اما در تصاویر و نمودارها اغلب از همان حروف انگلیسی موجود در متن استفاده شده است. این روش خود باعث می‌شود هنرجو در حین خواندن مطالب کتاب، مدام تصاویر و مثال‌ها دائماً به تطبیق این دو نظام نام‌گذاری در ذهن خود پردازش می‌شود. بی‌نیکی که، برای مثال، اصطلاح *C major* موجود در تصاویر را با عبارت «دو ماژور» به کار رفتن در متن، تطبیق دهد.

نکته دیگری که در رابطه با انتخاب مدل‌های فارسی لازم به ذکر است، به واژه «کلید» مربوط می‌شود. در تئوری موسیقی، دو اصطلاح *clef* (واژه انگلیسی) اغلب به واژه «کلید» در زبان فارسی ترجمه شده‌اند. اصطلاح *clef* (واژه انگلیسی) در این کتاب به «کلید حامل» ترجمه شده است، و به معنای «امتی است که در ابتدای خطوط حامل قرار گرفته و زیربوم (و نام) نت‌های روی حامل را تعیین می‌کند؛ برای مثال، «کلید حامل تریبل» (*treble clef*)، یا «کلید حامل باس» (*bass clef*). اصطلاح دوم، واژه انگلیسی «*key*» است که به طور دقیق در این کتاب به واژه «کلید» ترجمه شده است، و به معنای نت‌های پایه‌ای است که یک گام ماژور یا مینور بر

روی آن‌ها قرار می‌گیرد؛ برای مثال، «کلید دو ماژور» (*the key of C major*) یا «کلید ر مینور» (*the key of D minor*). واژه «سرکلید» یا «نشان کلید» (*key signature*) نیز از این اصطلاح دوم گرفته شده است. افزودن لفظ «حامل» به واژه «کلید» در مورد اصطلاح *clef* [«کلید حامل»] باعث جلوگیری از ابهام و سردرگمی در خواننده می‌شود. ضمن اینکه اصطلاح *key* نیز به همان معنای اصلی و متداول آن در زبان فارسی «کلید» به کار برده شده است.

در بیان، امید است اثر حاضر به عنوان کتاب راهنمایی پایه در فراگیری زبان موسیقی برای دانشجویان ابتدای و خوانندگان علاقه‌مند به تئوری موسیقی مفید واقع شود، و آن‌ها را در مسیر رسیدن به اهداف آینده خود در زمینه موسیقی یاری رساند.

امیر قربان‌پور

پاییز ۱۳۹۵

مقدمه

اثر حاضر کتاب راهنمایی است برای هر کسی که می‌خواهد خواندن زبان موسیقی را فرا گیرد. برای مطالعه این کتاب، شما مجبور نیستید نوازندهٔ یک ساز باشید؛ البته این مهارت می‌تواند خیلی به شما کمک کند، چرا که تمرین نواختن ساز مهارت خواندن موسیقی را نیز تقویت کند و از سطح انتزاع آن می‌کاهد. اما نوازنده بودن در اینجا ضروری نیست. ممکن است شما دلایل دیگری برای فراگرفتن زبان موسیقی داشته باشید؛ برای مثال، شاید در یک کنسرت می‌خواند، و یا دوست دارید پارتی‌تورهای نت‌ها را در حین گوش دادن به موسیقی از آن دنبال کنید، و یا کارتان به نوعی شما را در تماس با نت‌های موسیقی چاپ شده قرار می‌دهد.

همان‌طور که این کتاب را می‌خوانید، خواهید دید که برخی بخش‌های آن آسان‌تر از برخی دیگر است. اجزای دشوارتر، برای اکثر افراد، ریتم و کادراها هستند. این بخش‌ها به این دلیل دشوار هستند که ما سعی داریم چیزی را به شما بیاموزیم که به طور منحصر به فردی موسیقایی است. و تقریباً شبیه به هیچ چیز دیگری نیست!

اما دلایل زیادی وجود دارد که اصلاً چرا موسیقی باید نوشته شود. البته همهٔ انواع موسیقی به چنین چیزی نیاز ندارند، اما اجرای بیشتر موسیقی‌های کلاسیک بدون نت‌نویسی شدن آن‌ها ممکن نمی‌بود. همچنین، اکثر موزیسین‌های پاپ و جَز

بیز به ارزش فراگیری خواندن زبان موسیقی اذعان داشته و آن را ستایش و تحسین می‌کنند.

بنابراین، روی قسمت‌های دشوار بیشتر متمرکز شوید، و با کمی تلاش و پشتکار در نهایت به هدف خود خواهید رسید. موفق باشید!

پیتر نیکول^۱

^۱ Peter Nickol